مجله اقتصادی
شماره‌های ۵ و ٦، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، صفحات ۱۱٦- ۸۵

بررسی تأثیر متقابل تورم و مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران

حسن نبی‌زاده ولوکلایی
کارشناس‌ارشد مدیریت دولتی
nabivalukola@yahoo.com

این تحقیق با هدف اصلی بررسی تأثیر متقابل تورم و مالیات بر ارزش افزوده بر یکدیگر در اقتصاد ایران از طریق بررسی میزان تأثیر شاخص‌های تورم بر میزان مالیات بر ارزش افزوده و نیز بالعکس آغاز گردید. نظریات مختلف از جمله نظریه کینز در خصوص تورم ناشی از فشار تقاضا، نظریه فشار هزینه، نظریه ساختارگرایان، نظریه پولی تورم هیوم، نظریه کاردوسو، نظریه تانزی و نظریه پاتینکین در این زمینه مطرح و مورد بحث و موشکافی قرار گرفت و با توجه به مجموعه مباحث مطرح شده، فرضیه‌های تحقیق آماده آزمون شد. آنگاه روش تحقیق پیمایش انتخاب و از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید. اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه در برنامه SPSS مورد پردازش قرار گرفت، و سپس با کمک آزمون استقلال (آزمون خی‌دو) فرضیه‌های تحقیق بررسی شد که در نهایت مشخص گردید میان ۲ متغیر یاد شده یعنی تورم و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معنادار و متقابل وجود دارد و در نهایت تا حدی آثار یکدیگر را خنثی می‌نمایند، همچنین با استفاده از آزمون فریدمن مشخص گردید از میان شاخص‌های مختلف تورم به‌ترتیب میزان درآمد مالیاتی، انتظارات تورمی، تولید ناخالص ملی و کسری بودجه دولت بیشترین تأثیر را بر میزان مالیات بر ارزش افزوده داشته و به این ترتیب بیشترین تأثیر را نیز از آن پذیرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: تورم، مالیات بر ارزش افزوده، اقتصاد ایران.

۱. مقدمه

تحولات اجتماعی، افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که با کمبود شدید طرح‌های زیربنایی مواجه هستند، همچنین تلاش دولت‌ها برای دستیابی به اهدافی همچون تخصیص کاراتر منابع، توزیع عادلانه‌تر درآمد، رشد اقتصادی و گسترش اشتغال، ثبات اقتصادی و بهبود تراز پرداخت‌ها، هزینه هنگفتی را به دولت‌ها تحمیل می‌نماید که این هزینه‌ها به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه دارای سیر صعودی است. یکی از راه‌های اصولی برای تأمین منابع مالی دولت و کاهش کسری بودجه اتکا به درآمدهای مالیاتی می‌باشد. با توجه به پایین بودن سهم مالیات (نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی) در کشور ما و مشکلات و نارسایی‌های فراوان موجود در نظام مالیاتی آن، نیاز به یک سیستم مالیاتی جدید که با روشی کارا بتواند درآمد مالیاتی قابل‌توجهی داشته باشد کاملاً احساس می‌شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

مالیات بر ارزش افزوده در قرن حاضر به‌ویژه در ۳ دهه اخیر مورد استقبال بسیاری از کشورها (بیش از ۹۰ کشور) قرار گرفته است. این مالیات که از ارزش افزوده بنگاه‌ها در مراحل مختلف فرایند تولید-توزیع دریافت می‌شود، دارای مزایای متعددی همانند پایه وسیع مالیاتی، سهولت اجرا، کاهش انگیزه فرار مالیاتی، خنثی بودن و ... بوده و منبع قابل اعتمادی برای کسب درآمد دولت‌ها می‌باشد. علیرغم موفقیت مالیات بر ارزش‌افزوده به‌عنوان جایگزینی مناسب برای انواع مالیات بر فروش، نگرانی‌هایی در مورد تأثیر بالقوه اجرای آن بر سطح قیمت‌ها وجود دارد. این نگرانی‌ها معمولاً از این دیدگاه ناشی می‌شود که مالیات بر ارزش افزوده به‌طور معمول پایه مالیاتی وسیع‌تری نسبت به دیگر مالیات‌ها دارد و بسیاری از کالاها و خدمات که مشمول مالیات نبوده‌اند در سیستم مالیات برارزش افزوده مشمول مالیات می‌شوند بنابراین، این مسئله یکی از ملاحظات اولیه کشورهایی است که پذیرش این مالیات را مدنظردارند.

اجرای مالیات بر ارزش افزوده برای نخستین بار در یک کشور، آثار اقتصادی متعددی برجای خواهد گذاشت که می‌توان این آثار را به ۳ دسته کلی تقسیم کرد؛ آثار قیمتی (تورمی)، آثار توزیعی و آثار درآمدی. از سوی دیگر این نگرانی نیز وجود دارد که تورم یا همان افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، متقابلاً بر روی میزان مالیات بر ارزش افزوده کالاها و خدمات اثرگذار باشد.

با توجه به اینکه تورم همواره یکی از موضوعات بسیار مهم در کشور ما است که طی سال‌های اخیر میزان رشد آن بسیار زیاد بوده به‌نحوی که نرخ آن در هر سال افزایش فراوانی داشته و قدرت خرید مردم کمتر شده است، این نگرانی وجود دارد که اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده آن هم در شرایطی که کشور از یک سو با یک تورم شدید ساختاری و از سوی دیگر با تورم ناشی از تحریم‌ها دست به گریبان می‌باشد در نهایت موجب افزایش تورم افسار گسیخته[1] در کشور گردد. بنابراین، با توجه به موارد فوق این پژوهش در نظر دارد بررسی نماید که آیا بین اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده در کشور با میزان تورم موجود در جامعه رابطه معنادار و متقابلی وجود دارد؟ و سرانجام رابطه میان این ۲ متغیر چگونه است مستقیم یا معکوس؟

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی است که برای نخستین‌بار توسط فون‌زیمنس (۱۹۵۱) به‌منظور فائق آمدن بر مشکلات مالی آلمان طرح‌ریزی شد که به‌رغم علاقه و تمایل شدید کشورهایی نظیر آرژانتین و فرانسه برای آگاهی از چگونگی ساختار آن، این مالیات به‌طور رسمی تا سال ۱۹۵۴ در هیچ کشوری به‌کار

1. HyperInflation

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

گرفته نشد. از سال ۱۹۵۴ به بعد برزیل، فرانسه، دانمارک و آلمان در زمره کشورهایی بودند که این نوع از مالیات را در نظام مالیاتی کشور خود به کار گرفتند و کره‌جنوبی نیز نخستین کشور آسیایی بود که از سال ۱۹۹۷ با کمک صندوق بین‌المللی پول توانست این مالیات را در نظام خود پیاده کند و پس از آن کشورهای ترکیه، پاکستان، بنگلادش و لبنان هم اقدام به اجرای این مالیات کردند.

درخصوص شیوه اجرایی مالیات بر ارزش افزوده می‌توان گفت که در سیستم مالیات برارزش افزوده، هر فروشنده در هنگام فروش کالا و خدمات مالیات مورد نظر را به صورت‌حساب می‌افزاید و آن را همراه با قیمت کالا و خدمات از مشتری دریافت می‌کند. نخستین فروشنده مالیات دریافتی را وصول و به دولت پرداخت می‌کند و در مراحل بعدی هر فروشنده مابه‌التفاوت مالیات را از مشتری می‌گیرد و به حساب سازمان امور مالیاتی واریز می‌کند.

مالیات برارزش افزوده ۳ نوع است که عبارتند از مالیات از نوع تولیدی، درآمدی و مصرف. در مالیات برارزش افزوده از نوع تولیدی، مالیات کلی بر فروش اعمال می‌شود. در حالی که در نوع درآمدی مالیات بر فروش کالاهاست. در مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف نیز که مالیات بر کالاها و خدمات مصرفی است، تمام مخارج سرمایه‌گذاری ناخالص از پایه مالیاتی حذف می‌شود. درعین‌حال توصیه‌کنندگان به این نوع مالیات و برخی کارشناسان معتقدند این مالیات آثار مناسبی در سطوح مختلف جامعه و به‌ویژه شهرها دارد و برخی دیگر آن‌را تیر خلاص برای صنعت کشور می‌دانند.

۲-۲. تعریف و انواع مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش‌افزوده در حقیقت نوعی مالیات چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید براساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای تولید شده یا خدمات ارائه شده اخذ می‌شود. این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌کند و همچنین، این مالیات نوعی مالیات بر گردش کالا و خدمات به شمار می‌آید که در مراحل مختلف تولید کالا و متناسب با افزایش سود مصرف‌کنندگان برای تهیه کالاها و خدمات تعلق گرفته، به‌طوری که بار نهایی مالیات به‌طور عمده برعهده مصرف‌کننده نهایی قرار می‌گیرد. این مالیات در مراحل مختلف تولید و توزیع، توسط فروشندگان کالاها و خدمات جمع‌آوری می‌شود. به‌عبارتی می‌توان گفت نحوه عمل سیستم مذکور به این صورت است که مالیات بر ارزش‌افزوده در هر مرحله از فرایند تولید، با تعلق نرخ مقرر مالیاتی بر پایه مالیاتی محاسبه شده و اخذ می‌گردد. به‌طور کلی مالیات بر ارزش افزوده با ۳ مبنای مختلف معرفی می‌گردد که عبارتند از:

- مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای تولید ناخالص ملی (نوع تولیدی)
- مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای تولید خالص ملی (نوع درآمدی)
- مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای مصرف (نوع مصرفی)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

در روش مالیات بر ارزش افزوده از نوع تولیدی، مالیات کلی برفروش اعمال می‌شود. این نوع مالیات هم بر کالاهای مصرفی و هم سرمایه‌ای اعمال می‌گردد؛ یعنی به خرید کالاهای سرمایه‌ای توسط بنگاه اقتصادی اعتبار مالیاتی تعلق نمی‌گیرد.

مالیات بر ارزش افزوده از نوع درآمدی، مالیات بر فروش تولید خالص کالاها است. در این نوع از مالیات بر ارزش افزوده، استهلاک از پایه مالیات کسر و سرمایه‌گذاری خالص مشمول مالیات می‌شود. این روش نسبت به روش قبلی پایه مالیاتی کوچکتری دارد، اما همچنان به بخش تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد تحمیل می‌شود.

مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف، برمبنای کالاها و خدمات مصرفی است. در این روش کلیه مخارج سرمایه‌گذاری ناخالص از پایه مالیاتی حذف می‌شود. سرمایه‌گذاری و استهلاک از شمول پایه مالیاتی خارج می‌شود یعنی در این حالت بار مالیاتی از تولید به مصرف انتقال یافته است. این امر موجب بالا رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد می‌شود. بنابراین، اکثر کشورهای اجرا کننده نظام مالیات بر ارزش افزوده از این روش استفاده می‌کنند.

۲-۳. اثر مالیات بر ارزش افزوده بر قیمت نسبی کالاها و خدمات (اثر جانشینی)

یکی دیگر از اثراتی که برای مالیات بر ارزش افزوده می‌توان تصور نمود این است که این مالیات می‌تواند موجب تغییر در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات تولیدی شده و از این طریق تقاضای مؤثر برای این کالاها و خدمات را متأثر سازد. در نتیجه تغییر در تقاضا، خود می‌تواند سبب بروز فشارهای تورمی در اقتصاد گردد. البته باید به این نکته توجه نمود که در صورت جایگزینی مالیات بر ارزش‌افزوده به‌جای مالیات‌های دیگر نظیر مالیات بر فروش و یا مصرف، می‌بایست انتظار داشت که سطح قیمت‌ها به‌طور قطع افزایش یابد. در هر حال تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اثرگذاری مالیات بر ارزش‌افزوده بر سطح قیمت‌ها از طریق اثر جانشینی ایجاد شده بستگی به شناسایی تغییرات در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات و همچنین تشخیص نحوه اثرگذاری قیمت‌های نسبی بر روی روند تخصیص منابع و در نتیجه سطح قیمت‌ها دارد.

۳. چارچوب نظری و مدل مفهومی

۳-۱. دیدگاه‌های نظری در مورد علل بروز تورم

الف) نظریه طرفداران مکتب کینز

در کنار نظریه مقداری پول، پرسابقه‌ترین نظریه تورم نظریه فشار تقاضا است که توسط کینز ارائه شده است. از نظر وی، تورم ناشی از فزونی تقاضای مؤثر در اقتصاد ملی است. مؤلفه‌های تقاضای مؤثر از دیدگاه کینز عبارتند از تقاضای بخش خصوصی برای کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و نیز تقاضای بخش دولتی برای کالاها و خدمات تولید شده اعم از مصرفی و سرمایه‌ای.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

کینز به‌عنوان سردمدار اقتصاددانان طرف تقاضا، تورم را ناشی از افزایش بیش از حد تقاضای مؤثر و یا به عبارت دقیق‌تر ناشی از افزایش تقاضا در شرایط اشتغال کامل می‌داند. اشتغال کامل به حداکثر ظرفیت تولید کالاها و خدمات در هر کشور، در هر زمان، با توجه به کمیت و کیفیت نیروی کار، زمین، سرمایه و تجهیزات موجود مربوط می‌باشد. از نظر کینز هرگاه به دلایلی تقاضای مؤثر از حد اشتغال کامل کمتر شود، تولید نیز کمتر از ظرفیت موجود بوده و بخشی از نیروی کار و عوامل تولید، بیکار و بدون استفاده می‌مانند و برعکس زمانی که تقاضای مؤثر از حد اشتغال کامل فراتر رود، تقاضا برای نهاده‌های تولیدی افزایش یافته و این امر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را در پی خواهد داشت. الگوی شکاف تورمی ارائه شده توسط کینز بسیار شبیه به نظریه مقداری پول می‌باشد و تنها تفاوت عمده آنها منشأ افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست.

ب) نظریه فشار هزینه

این نظریه، افزایش هزینه‌های تولید را عامل اصلی افزایش قیمت‌ها معرفی می‌کند و به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی پدیده رکود تورمی که در دهه ۱۹۷۰ عموم کشورهای صنعتی با آن روبرو بودند، از نوع تورم ناشی از فشار هزینه است. نظریه‌پردازان این مکتب معتقدند که عوامل مؤثر بر هزینه تمام شده بنگاه‌ها مانند نرخ‌های بهره، دستمزد، قیمت حامل‌های انرژی و... می‌توانند عامل تورم باشند.

ج) نظریه ساختارگرایان

به عقیده ساختارگرایان منشأ فشارهای تورمی، فشار رشد اقتصادی بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی توسعه‌نیافته است و می‌گویند که مشکل تورم در کشورهای در حال توسعه یک پدیده پولی صرف نیست.

حفره‌های تولید و کشش‌ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد و کمبود نیروهای ماهر و نبود کارآفرینان، جوامع توسعه‌نیافته را در فرایند تغییرات ساختاری در معرض تورم ناشی از فشار هزینه قرار می‌دهد.

د) نظریه طرفداران مکتب پولی

نظریه طرفداران مکتب پولی در مورد نقش پول با نظریات هیوم در سال ۱۷۵۲ آغاز شد. وی بدون بیان ریاضی مشخص، به تحلیل آثار تغییرات حجم پول پرداخت. خلاصه نظرات او این بود که آثار تغییرات حجم پول به‌طور مستقیم بر روی سطح عمومی قیمت‌ها منعکس می‌شود. وی معتقد بود که سطح قیمت‌ها در نظام اقتصادی با حجم پول متناسب است.

نظریه پولی تورم تنها دلیل تورم را تغییرات حجم پول ذکر می‌کند و بیان دیگری از اثر سیاست پولی و تغییرات حجم پول در حالت عرضه کل عمودی کلاسیک است. بر اساس عقیده اصلی این مکتب تورم

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی است، یا به بیان دیگر، هرگونه افزایش در عرضه پول منحصراً موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. بر این اساس، عرضه پول هیچگونه تأثیری بر متغیرهای حقیقی مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، اشتغال، نرخ بهره و درآمد حقیقی ندارد. مکتب پولی به ۲ گروه مکتب سنتی پولی و مکتب انتظارات عقلایی تقسیم می‌شود. بر اساس مکتب انتظارات عقلایی هرگونه تغییر در نرخ رشد عرضه پول می‌تواند به بخش منظم یا پیش‌بینی شده و یا غیر قابل انتظار تقسیم شود. تغییرات پیش‌بینی شده عرضه پول، نرخ تورم انتظاری و همزمان با آن، نرخ تورم بالفعل را افزایش می‌دهد.

بر اساس این نظریه، افزایش حجم پول موجب افزایش متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. به‌عبارت دیگر تورم یک پدیده پولی است که ناشی از رشد عرضه اسمی پول می‌باشد. به این معنا که هرگاه حجم پول در گردش نسبت به واحد تولید افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند، می‌بایست افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را انتظار داشت. طرفداران این مکتب معتقدند که یک ارتباط ساده، مستقیم و متناسب بین رشد حجم پول و تورم وجود دارد.

طرفداران نظریه مقداری پولی معتقدند که تابع تقاضای پول با ثبات است. ثروت به‌صورت‌های مختلف همچون همراه با کالاهای مصرفی جایگزین و یا به شکلی از اشکال مختلف دارایی، مانند اوراق بهادار، کالاهای بادوام و یا به‌صورت نقدی نگهداری می‌شود. عواملی که به نظر ایشان در تصمیم‌گیری افراد در تعیین ترکیب مطلوب دارایی مؤثرند موارد ذیل هستند:

در جوامعی که بازارهای پولی و بازارهای اوراق بهادار وجود دارد، بسیاری از افراد پس‌اندازهای خود را به‌صورت اوراق بهادار نگهداری می‌کنند، به این دلیل که نگهداری اوراق قرضه و سهام دارای بازدهی بوده و درآمدی از محل پس‌انداز برای صاحبان آن در بر دارد. در این جوامع افراد می‌توانند بخشی از دارایی‌های خود را به‌صورت پول نقد، سهام و یا اوراق قرضه نگهداری کنند. اگر نرخ بازدهی در سطح بالایی قرار گیرد هزینه فرصت نگهداری پول نقد افزایش می‌یابد و در این صورت برخی از دارندگان پول نقد ترجیح می‌دهند که بخشی از موجودی پول نقد خود را به اوراق بهادار و یا سایر دارایی‌ها اختصاص دهند و این امر کاهش تقاضا برای پول را در پی خواهد داشت و در مقابل طبیعی است در جوامعی که بازارهای پولی و اوراق بهادار وجود ندارد، این مسئله به‌صورت جایگزینی پول با کالاهای مصرفی و یا دارایی‌های ثابت پدیدار خواهد شد که نمونه این امر را در اقتصاد کشورمان به طور مکرر در بازار طلا، تلفن‌همراه، اتومبیل، مسکن و حتی در برخی از موارد احتکار کالاهای مصرفی شاهد بوده‌ایم. در شرایط تورمی که ارزش پول با نرخ تورم کاهش پیدا می‌کند، تمایل به جایگزینی پول با سایر دارایی‌ها افزایش می‌یابد؛ به همین دلیل در چنین شرایطی قیمت طلا، مسکن، اتومبیل و این قبیل دارایی‌ها به شدت افزایش یافته و در نتیجه ارزش پول ملی و به‌تبع آن قدرت خرید مصرف‌کننده کاهش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

می‌یابد (طبیبیان، ۱۳۶۳). در نتیجه مصرف‌کنندگان در شرایط تورمی ترجیح خواهند داد که پول نقد خود را با دارایی‌های دیگری که ارزش آنها با نرخ تورم افزایش می‌یابد، جایگزین نمایند و این امر به‌نوبه خود افزایش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای و در مواردی نیز تشکیل حباب قیمتی را در پی دارد.

۴. بررسی اثرات تورم بر کسری بودجه از لحاظ درآمد و مخارج دولت در اقتصاد ایران

یکی از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌نیافته این است که به‌دلیل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ساختاری حجم سرمایه بخش خصوصی بسیار ناچیز است. بنابراین وظیفه افزایش نرخ سرمایه‌گذاری خالص در اقتصاد برعهده دولت است، اما به‌دلیل کمبود منابع سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری، دولت مجبور است سیاست کسری بودجه را اتخاذ کند و استفاده از آن را مجاز بداند. بنابراین، می‌توان برای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های بالاسری اجتماعی از این روش استفاده نمود. گرچه این سیاست می‌تواند تنگناهای اقتصادی و کمبودهای زیربنایی را تا حدی مرتفع کند و به بهره‌وری و بازدهی تولید بیفزاید، اما استفاده از آن ممکن است تبعات منفی زیادی در پی داشته باشد.

ارتباط این ۲ متغیر مهم کلان اقتصادی از لحاظ تئوری به‌طور کلی مبهم بوده و کارهای تجربی انجام‌یافته در داخل و خارج به نتایج متفاوتی رسیده است. برخی از پژوهش‌ها، تأثیر کسری بودجه بر تورم را تأیید و بعضی از مطالعات رابطه علت و معلولی بین این ۲ متغیر را رد نموده‌اند؛ تعدادی نیز ارتباط آنها را مبهم می‌دانند. در برخی از مطالعات تجربی افزایش تورم، کسری بودجه را افزایش داده و در برخی دیگر از موارد نیز موجب کاهش آن شده و یا بر آن تأثیری نداشته است. بنابراین از لحاظ تئوریک اثر تورم بر کسری بودجه به‌طور قطعی مشخص نیست و با توجه به ساختار اقتصادی هر کشور ممکن است اثر منفی، مثبت یا خنثی داشته باشد. کارهای تجربی صورت گرفته نیز مؤید این امر است.

قره‌باغیان (۱۳۷۱) برخی از محققین از جمله کاردوسو[1] نشان دادند که نه‌تنها ممکن است کسری بودجه بر تورم اثر بگذارد، بلکه تورم از طریق وقفه‌های مالیاتی و مخارج حقیقی بر کسری بودجه اثر می‌گذارد.

تانزی به‌دلیل انعطاف‌پذیری سیستم مالیاتی، کوتاه بودن وقفه‌های مالیاتی و شاخص‌بندی مالیات‌های تأخیری و اعمال جریمه بر مالیات‌های معوقه نتوانسته از بعد درآمدی بر کسری بودجه اثر منفی گذارد. از طرف دیگر اثر پاتینکین[2] به‌دلیل عکس‌العمل برخی از اقلام مخارج نسبت به تورم، یعنی آنهایی که شاخص‌بندی نشده و یا امکان شاخص‌بندی آن وجود ندارد فعال بوده و با افزایش تورم از بعد مخارج موجب کاهش کسری بودجه گردیده است. به بیان دیگر، برآیند اثر تانزی و پاتینکین موجب برقراری رابطه معکوس بین تورم و کسری بودجه شده است.

1. Cardoso
2. Patinkin

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

تانزی (۱۹۸۷) بر این عقیده است که افزایش نرخ تورم ممکن است درآمدهای مالیاتی حقیقی را کاهش دهد و کسری بودجه را تشدید کند. در مقابل پاتینکین اظهار می‌دارد که با افزایش نرخ تورم ممکن است مخارج حقیقی دولت کاهش یابد و در پی آن کسری بودجه دولت نیز تعدیل شود. بنابراین، با بررسی‌های تجربی واقعیت امر مشخص می‌شود. همچنین، شواهد آماری مربوط به این ۲ متغیر برای برخی کشورهای جهان نشان می‌دهد که ارتباط بین کسری بودجه دولت با تورم برای کشورها متفاوت است؛ به‌عنوان مثال کشورهای فنلاند، فرانسه، ایتالیا و انگلستان با وجود اینکه از نسبت کسری بودجه بالایی برخوردارند، دارای نرخ تورم بسیار پایینی هستند. از سوی دیگر برخی از کشورها مانند شیلی و مکزیک از مازاد بودجه برخوردارند، اما با این حال نرخ تورم در آنها ۲ رقمی است. برخی از کشورهای دیگر مانند رومانی و ترکیه، هرچند که نسبت کسری بودجه چندان بالایی ندارند، اما تورم بسیار بالایی دارند (بانک جهانی، ۲۰۰۰).

در اقتصاد ایران اکثر کارهای تجربی انجام شده، به بررسی تأثیر دریافت مالیات بر کاهش کسری بودجه و در نهایت بر تورم پرداخته و به‌طور عمده به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش درآمد مالیاتی منجر به تشدید تورم شده و رابطه علی قوی از آن به سمت تورم وجود دارد. این موضوع در حالی است که به تأثیر تورم روی کسری بودجه و در نهایت درآمد مالیاتی کمتر توجه شده و یا مطالعه دقیق در خصوص تأثیر تورم، از بعد هزینه‌ای و درآمدی، صورت نگرفته است (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۸۲). از بعد درآمدی تأثیر تورم بر وقفه‌های جمع‌آوری مالیات و کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی و از بعد مخارج نیز اثر آن بر ایجاد وقفه در پرداخت‌های دولت و احتمال کاهش مخارج حقیقی. در این راستا مطالب موجود به‌صورت اثر تورم بر کسری بودجه به‌ویژه نظریات تانزی و پاتینکین ارائه شده است.

۴-۱. دیدگاه پاتینکین

برسکین تورونی (۱۹۳۷)[1]، از نخستین اقتصاددانانی بود که رابطه بین نرخ تورم و کسری بودجه را مطالعه نمود و نشان داد زمانی که تورم شتابان است رابطه کسری بودجه و تورم می‌تواند منفی باشد.

پاتینکین (۱۹۹۳) تصور کرد که ممکن است بین نرخ تورم و کسری بودجه رابطه منفی برقرار باشد و نظریه تورونی را مورد تأیید قرار داد. وی معتقد بود که در نرخ‌های تورم بالا مخارج حقیقی کمتر از زمانی که تورم وجود ندارد و یا پایین است ظاهر خواهد شد. به نظر وی اثر پاتینکین تثبیت‌کننده قوی در نرخ‌های بالای تورم خواهد بود. تعدیل کسری بودجه ناشی از کاهش مخارج حقیقی که از افزایش تورم حاصل می‌شود به اثر پاتینکین مشهور است.

در کشورهایی که تجربه تورم را داشته‌اند، اثر تانزی و پاتینکین به‌نحوی خودشان را نشان می‌دهند و با توجه به شرایط اقتصادی، شدت و ضعف آنها متفاوت بوده و خواهد بود. در واقع اثر تانزی از ناحیه درآمدها و اثر

1. Brescin Turroni

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

پاتینکین از ناحیه هزینه‌ها، کسری بودجه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. تورم از طرف درآمد و با فعال شدن اثر تانزی موجب انباشته شدن کسری بودجه دولت و تشدید آن می‌شود. از سوی دیگر تورم از سوی هزینه‌ها بر مخارج دولت اثر می‌گذارد و با توجه به شرایط اقتصادی و دامنه تورم، بودجه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

کاردوسو معتقد است که تورم شدید، فرایند ناپایدار دارد و این ناپایداری از طریق اثر تانزی تقویت می‌شود؛ چرا که با افزایش تورم کسری بودجه به‌دلیل کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی تشدید می‌شود، اما شواهد تجربی نشان داد که اثر قوی در جهت دیگری از طریق کاهش سطح مخارج حقیقی به‌کار می‌افتد که به اثر پاتینکین مشهور است.

عوامل مختلفی این پدیده را توضیح می‌دهند که در ذیل به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

– در زمان تورم در مراحل نخست حقوق و دستمزد به‌عنوان جزء مهمی از مخارج دولت اغلب همگام با افزایش قیمت‌ها تعدیل نشده و در مراحل بعدی به‌طور نامنظم تعدیل می‌شود. در نتیجه متوسط حقوق و دستمزد حقیقی بخش دولتی در طول دوره‌های تورم کاهش می‌یابد.

– در شرایط تورمی، پرداخت‌های اسمی بهره بر بدهی‌های داخلی دولت کمتر از نرخ تورم است. در نتیجه بهره حقیقی پرداختی دولت منفی می‌شود.

– ارزش حقیقی پرداخت‌های دولت به وام‌های بلندمدت کاهش می‌یابد.

– گرچه دولت‌ها سعی دارند شکاف بین مالیات‌های جمع‌آوری شده و شاخص تأخیری تورم را در خصوص پرداخت‌های مالیاتی کاهش دهند، اما برنامه مخارج با تورم پیش‌بینی شده صورت می‌گیرد که معمولاً کمتر از تورم تحقق‌یافته است. بنابراین، مخارج حقیقی کمتر از مخارج برنامه‌ریزی شده خواهد بود. زمانی که تورم از بین می‌رود، مخارج حقیقی به مخارج برنامه‌ریزی شده نزدیک می‌شود.

– تورم مخارج حقیقی را کاهش می‌دهد، نه مالیات‌های حقیقی را؛ چرا که دولت‌ها به‌طور کامل مالیات‌ها را شاخص‌بندی می‌کنند و شکاف‌های موجود در جمع‌آوری مالیات‌ها را کاهش می‌دهند. بنابراین، تورم می‌تواند برای همسان کردن برنامه‌های مخارج دولت در سطوح مختلف به‌کار رود.

– در دوره‌های تورمی، یارانه پرداختی به شرکت‌های دولتی افزایش می‌یابد؛ زیرا قیمت فروش کالاهای این شرکت‌ها در زمان تورم به میزان هزینه‌ها افزایش نمی‌یابد.

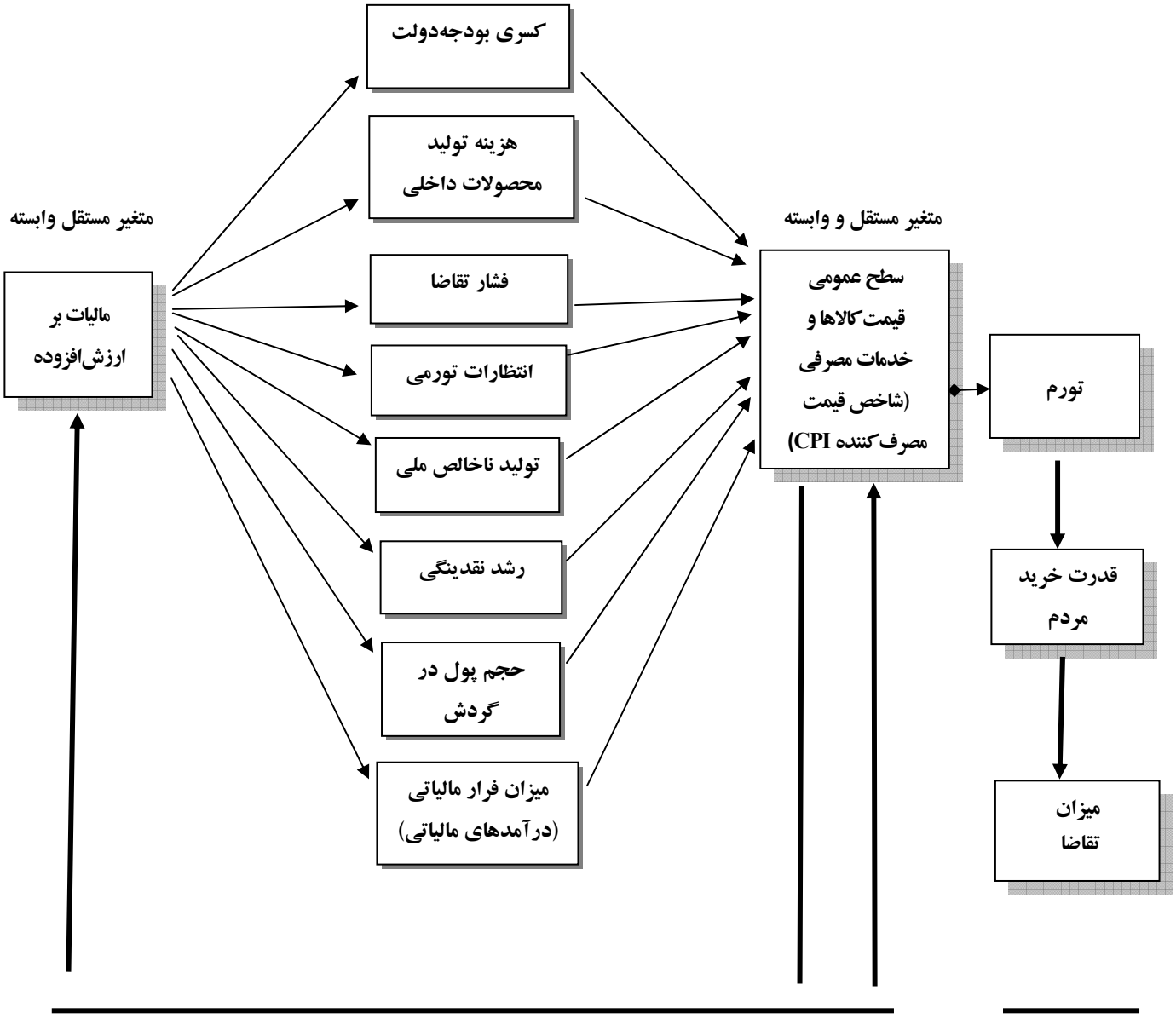
در نرخ تورم‌های بالا، کشورها برخی مخارج را شاخص‌بندی می‌نمایند؛ زیرا شاخص‌بندی کامل نبوده و به‌طور معمول به تورم در دوره گذشته وابسته است، لذا افزایش تورم موجب کاهش دستمزدهای حقیقی می‌شود. علاوه بر این، دولت‌ها در برخی مواقع با تأخیر در پرداخت دستمزدها، زمانی‌که پول کمتری برای پرداخت دستمزدها و سایر مخارج داشته باشند، مخارج حقیقی را کاهش می‌دهند. به‌عنوان مثال زمانی‌که نرخ تورم سالانه در اواسط سال ۱۹۹۴ در برزیل به ۴۰۰۰ درصد در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

سال رسید، تأخیر ۱۵ روزه در پرداخت دستمزدها مخارج حقیقی را ۱۵ درصد کاهش داد. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که کسری بودجه با کاهش تورم افزایش می یابد و در نرخ‌های پایین تورم، شاید هیچ انگیزه‌ای برای شاخص‌بندی مالیات‌ها و کاهش شکاف وصول مالیات‌ها وجود نداشته باشد و اثر تانزی رابطه مثبت بین کسری بودجه و تورم را به‌وجود بیاورد. برعکس زمانی که تورم بالاست انگیزه آشکاری برای شاخص‌بندی مالیات‌ها وجود دارد. همچنین، در این وضعیت یک شاخص‌بندی برای جلوگیری از زیان درآمدهای مالیاتی به‌وجود می‌آید. در این تصمیمات، حتی اگر تورم روند نزولی داشته باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا در کشورهایی که سابقه طولانی در زمینه تورم دارند نمی‌توان رابطه مثبت بین تورم و کسری بودجه را متصور شد؛ زیرا اثر تانزی متوقف خواهد شد. هنوز هم شاخص‌بندی‌ها به‌عنوان مکانیزمی هستند که ممکن است تورم را ممنوع اعلام می‌کنند. برای حذف عادت شاخص‌بندی، جریمه‌ها بر مالیات‌های تأخیری به‌هیچ‌وجه نسبت به سطح قیمت‌ها شاخص‌بندی نمی‌شود. اتخاذ سیاست حذف شاخص‌بندی می‌تواند دوباره اثر تانزی را فعال نماید و رابطه مثبت بین تورم و کسری بودجه را در نرخ‌های پایین تورم به‌وجود آورد. در برخی مواقع مصالح سیاسی یک کشور موجب ایجاد اختلاف در تقاضای مخارج می‌شود. به بیان دیگر مصالح سیاسی ایجاب می‌کند که به تقاضاهای درخواستی پاسخ مثبت داده شود. در این صورت تورم می‌تواند برای سازگار کردن این تقاضا مورد استفاده قرار گیرد و اثر پاتینکین را وارد عمل کند. همچنین، تأخیر در پرداخت‌ها فشاری اساسی بر مخارج حقیقی وارد می‌آورد؛ در این صورت اگر جمع‌آوری مالیات‌ها به‌نحو احسن صورت گیرد، افزایش تورم کسری بودجه را کاهش خواهد داد. با این وجود در شرایط نرخ‌های بالای تورم هر طرح شاخص‌بندی با شکست مواجه شود، احتمال کاهش مالیات‌های حقیقی و افزایش کسری بودجه بیشتر می‌گردد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

۵. مدل مفهومی پژوهش



مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار ۱. مدل مفهومی رابطه بین تورم و مالیات بر ارزش افزوده متغیرهای مستقل

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

۵-۱. فرضیه‌های پژوهش

– فرضیه اصلی ۱: بین اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده و میزان تورم موجود در جامعه رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه اصلی۲: بین میزان تورم در جامعه و میزان مالیات بر ارزش افزوده رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی۱: بین مالیات بر ارزش افزوده و میزان کسری بودجه دولت و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه معکوس وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۲: بین مالیات بر ارزش افزوده و هزینه محصولات داخلی و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۳: بین مالیات بر ارزش افزوده و فشار تقاضا و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۴: بین مالیات بر ارزش افزوده و انتظارات تورمی و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۵: بین مالیات بر ارزش‌افزوده و تولید ناخالص ملی و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۶: بین مالیات بر ارزش افزوده و رشد نقدینگی و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۷: بین مالیات بر ارزش افزوده و حجم پول در گردش و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۸: بین مالیات بر ارزش افزوده و میزان درآمدهای مالیاتی و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۹: بین میزان تورم موجود در جامعه و قدرت خرید مردم و در نهایت میزان تقاضای جامعه رابطه مستقیم وجود دارد.

– فرضیه فرعی ۱۰: بین میزان تقاضای جامعه و سطح عمومی قیمت‌ها و در نهایت میزان مالیات بر ارزش افزوده رابطه مستقیم وجود دارد.

۶. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق، کاربردی و بر مبنای راهبرد پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و از نظر فلسفه پژوهش از نوع تحقیقات اثبات‌گرایی (پوزیتیویسمی) می‌باشد. در این مطالعه از میان روش‌های مختلف تحقیق اعم از میدانی، پیمایش، کتابخانه‌ای و... از روش پیمایش (Survey) بهره گرفته شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

روش اصلی این مطالعه نیز به‌واسطه خصلت موضوع آن، استفاده از تکنیک پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات در خصوص واقعیت‌های عینی و ذهنی و نیز تکیه بر پرسش‌ها توصیفی و فرضیات همبستگی پیمایش است که به‌عنوان رایج‌ترین شیوه مطالعاتی در علوم‌اجتماعی مطرح است. با این وجود در بخش تئوریک نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

در پژوهش حاضر اساس عملیات جمع‌آوری اطلاعات بر فن پرسشنامه استوار است، البته از ابزار مصاحبه در مرحله مطالعه مقدماتی و از روش اسنادی جهت بررسی ابعاد نظری و تجربی آن نیز سود برده شده است. در واقع، ابتدا با استفاده از روش اسنادی ابعاد نظری موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، سپس با انجام چند مصاحبه عمیق با افراد آشنا و صاحب‌نظر در مسائل، مدیریت ابعاد عملی موضوع به‌طور نسبی شناسایی شده و در نهایت با تلفیق یافته‌های بخش نظری مروری بر مطالعات پیشین و مصاحبه‌های اکتشافی چارچوب مفهومی و نظری مناسبی برای تبیین پدیده مورد نظر طراحی و مفاهیم پژوهش با استفاده از تعاریف عملیاتی به پرسش تبدیل شده است. پرسش‌های تحقیق در قالب ۳ مجموعه کلی از متغیرها شامل متغیر وابسته (تورم و مالیات بر ارزش افزوده) متغیرهای مستقل سازمانی (شاخص‌های تورم و مالیات بر ارزش افزوده) و متغیرهای مستقل فردی (زمینه‌ای) تدوین و در نهایت ساخت کلی پرسشنامه پژوهش را فراهم آورد. پرسشنامه نخستین در مرحله پیش‌آزمون بر روی ۱۰ نفر از اساتید، صاحب‌نظران و متخصصان آزموده و پس از انجام اصلاحات لازم نهایی شده و مورد پردازش قرارگرفت و مجدداً قابلیت اعتماد و تکرار پذیری گویه‌ها سنجیده شد و توسط ضریب آلفای کرونباخ مفاهیم مورد نیاز ساخته و طبقه‌بندی شده و با استفاده از جداول فراوانی و فراوانی نسبی مفاهیم توصیف و فرضیات مورد آزمون قرار گرفته است.

در تحقیق حاضر برای ساخت مفهوم پایگاه اقتصادی از روش استفاده از دستاوردهای محققین پیشین و تجربه و شناخت شخصی محقق از جامعه آماری و موضوع مورد مطالعه و نیز تکنیک تحلیل عامل برای تعیین وزن شاخص‌های سازنده مفهوم فوق بهره گرفته شده است. همچنین، با استفاده از تکنیک تحلیل عامل تأییدی، سازه نظری تورم و مالیات بر ارزش افزوده مورد آزمون قرار گرفته که در برخی ابعاد تأیید شده و شاخص‌های بیشتر ابعاد شاخص‌های مفاهیم در ترکیب با یکدیگر قرار گرفته و مورد تأیید واقع گردیده است.

جهت طبقه‌بندی تمام طیف‌ها و شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز از روش بیشترین شباهت و تضاد استفاده شده است. این تکنیک بر اساس محاسبه فراوانی‌های مشاهده شده در رده و موردانتظار هر رده عمل می‌کند. به‌علاوه برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده از روش دو نیمه کردن استفاده شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

قلمرو مکانی تحقیق حاضر را دانشگاه‌های شهر تهران و جامعه آماری آن را کلیه متخصصان، کارشناسان و اساتید صاحب‌نظر در زمینه مورد پژوهش تشکیل می‌دهند که تعداد آنها حداقل ۵۰۰ نفر می‌باشد.

حجم جمعیت نمونه این بررسی نیز بر اساس فرمول کوکران (فرمول نسبتی) و با میزان خطای نسبی ۰/۱۵ به تعداد ۳۹ نفر محاسبه و تعیین گردیده است. (pq=۰/۵). لازم به ذکر است، دراین تحقیق با توجه به وضعیت دسترسی به پاسخگویان از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. این روش بر اساس امکانات موجود و وضعیت دسترسی سریع‌تر به افراد و اطلاعات می‌باشد. در این تحقیق برای بررسی فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون استقلال (آزمون خی‌دو) استفاده شده است.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شغلی پاسخ‌دهندگان

با بررسی نتایج آمار توصیفی و ویژگی‌های فردی و شغلی پاسخگویان موارد زیر قابل توجه بوده‌اند:

۷۰ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۰ درصد زن هستند، اکثریت (۵۶/۷ درصد) آنان دارای سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده‌اند و در مجموع ۹۰ درصد بالای ۳۰ سال سن دارند. اکثر (۵۶/۷ درصد) آنها دارای سابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال بوده و نیمی از آنان دارای مدرک تحصیلی لیسانس می‌باشند.

۸. نتایج فرضیه‌های پژوهش

۸-۱. فرضیه اصلی

با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۲۲ محاسبه شده که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده است (Sig=۰/۰۰) که از ۰/۵۰ کوچکتر می‌باشد. نتیجه می‌گیریم که فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته شده است. به‌عبارت دیگر بین اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده و میزان تورم موجود در جامعه رابطه معناداری وجود دارد که شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۱. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و میزان تورم

		میزان مالیات بر ارزش‌افزوده	میزان تورم
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۲۲**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
میزان تورم	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۲۲**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه اصلی-معکوس: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۹۶ با سطح معناداری igS=۰/۰۰۵ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به دست آمده که از ۰/۵۰ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین میزان تورم موجود در جامعه و میزان مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد رابطه مستقیمی وجود دارد.

جدول ۲. رابطه میزان تورم و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		میزان مالیات بر ارزش‌افزوده	میزان تورم
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۹۶**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۵
میزان تورم	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۹۶**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۵	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی اول: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۵۰۷- با سطح معناداری ۰/۰۰۴ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به دست آمده که از ۰/۰۵کوچکتر می‌باشد نتیجه می‌گیریم که فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می‌گردد. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و میزان کسری بودجه دولت و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که رابطه معکوس وجود دارد.

جدول ۳. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و کسری بودجه دولت

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	کسری بودجه دولت
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۰۷-**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۴
کسری بودجه دولت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۰۷-**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۴	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی اول-معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۵۲۸ با سطح معناداری Sig =۰/۰۰ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۵۰ کوچکتر می‌باشد نتیجه می‌گیریم که فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین میزان کسری بودجه دولت و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۴. رابطه کسری بودجه دولت و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		کسری بودجه دولت	میزان مالیات بر ارزش افزوده
کسری بودجه دولت	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۲۸**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۲۸**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی دوم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۵۲ با سطح معناداری Sig=۰/۰۱۲ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به دست آمده که از ۰/۰۵کوچکتر می‌باشد نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش‌افزوده و هزینه محصولات داخلی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۵. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و هزینه محصولات داخلی

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	هزینه محصولات داخلی
میزان مالیات برارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۵۲*
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۱۲
هزینه محصولات داخلی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۵۲*	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۱۲	

*. Correlation is Significant at the 0.05 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی دوم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۵۷۶- با سطح معناداری Sig=۰/۰۰۲ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵کوچکتر می‌باشد نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین هزینه محصولات داخلی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه معکوس است.

جدول ۶. رابطه هزینه محصولات داخلی و میزان مالیات بر ارزش افزوده

هزینه محصولات داخلی	میزان مالیات بر ارزش‌افزوده		
۰/۵۷۶-*	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۰۲		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۵۷۶-*	ضریب همبستگی پیرسون	هزینه محصولات داخلی
	۰/۰۰۲	Sig. (2-tailed)	

*. Correlation is Significant at the 0.05 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی سوم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۷۹ با سطح معناداری ۰/۰۰۷ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و فشار تقاضا رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۷. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و فشار تقاضا

فشار تقاضا	میزان مالیات بر ارزش‌افزوده		
۰/۴۷۹**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۰۷		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۴۷۹**	ضریب همبستگی پیرسون	فشار تقاضا
	۰/۰۰۷	Sig. (2-tailed)	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی سوم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۴۹- با سطح معناداری ۰/۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین فشار تقاضا و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه معکوس می‌باشد.

جدول ۸. رابطه فشار تقاضا و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	فشار تقاضا
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۴۹-**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۱
فشار تقاضا	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۴۹-**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی چهارم: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۶۷۳ با سطح معناداری Sig =۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و انتظارات تورمی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۹. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و انتظارات تورمی

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	انتظارات تورمی
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۷۳**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
انتظارات تورمی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۷۳**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی چهارم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۷۸- با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین انتظارات تورمی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می دهد که نوع رابطه معکوس است.

جدول ۱۰. رابطه انتظارات تورمی و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	انتظارات تورمی
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۷۸-**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
انتظارات تورمی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۷۸-**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی پنجم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۶۲۹ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۱۱. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	تولید ناخالص ملی
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۲۹**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
تولید ناخالص ملی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۲۹**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی پنجم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۵۸۶- با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین تولید ناخالص ملی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه معکوس می‌باشد.

جدول ۱۲. رابطه تولید ناخالص ملی و میزان مالیات بر ارزش افزوده

تولید ناخالص ملی	میزان مالیات بر ارزش‌افزوده		
۰/۵۸۶-**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۰۰۱		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۵۸۶-**	ضریب همبستگی پیرسون	تولید ناخالص ملی
	۰/۰۰۰۱	Sig. (2-tailed)	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی ششم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۳۹۵ با سطح معناداری ۰/۰۳۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش‌افزوده و رشد نقدینگی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۱۳. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و رشد نقدینگی

رشد نقدینگی	میزان مالیات بر ارزش افزوده		
۰/۳۹۵*	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۳۱		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۳۹۵*	ضریب همبستگی پیرسون	رشد نقدینگی
	۰/۰۳۱	Sig. (2-tailed)	

*. Correlation is Significant at the 0.05 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

فرضیه فرعی ششم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر۰/۶۲۲- با سطح معناداری ۰/۰۱۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین رشد نقدینگی و مالیات بر ارزش‌افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۱۴. رابطه رشد نقدینگی و میزان مالیات بر ارزش افزوده

رشد نقدینگی	میزان مالیات بر ارزش افزوده		
۰/۶۶۲-*	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۱۱		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۶۶۲*	ضریب همبستگی پیرسون	رشد نقدینگی
	۰/۰۱۱	Sig. (2-tailed)	

*. Correlation is Significant at the 0.05 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

فرضیه فرعی هفتم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۵۴۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۲ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و حجم پول در گردش رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۱۵. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و حجم پول در گردش

حجم پول در گردش	میزان مالیات بر ارزش افزوده		
۰/۵۴۵-**	۱	ضریب همبستگی پیرسون	میزان مالیات بر ارزش افزوده
۰/۰۰۲		Sig. (2-tailed)	
۱	۰/۵۴۵**	ضریب همبستگی پیرسون	حجم پول در گردش
	۰/۰۰۲	Sig. (2-tailed)	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

تجزیه و تحلیل فرضیه هفتم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۲۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین حجم پول در گردش و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۱۶. رابطه حجم پول در گردش و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	حجم پول در گردش
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	*۰/۷۲۵
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
حجم پول در گردش	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۷۲۵	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

تجزیه و تحلیل فرضیه هشتم: با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۷۸۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش‌افزوده و میزان درآمدهای مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۱۷. رابطه میزان مالیات بر ارزش افزوده و میزان درآمدهای مالیاتی

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	میزان درآمدهای مالیاتی
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	**۰/۷۸۶
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
میزان درآمدهای مالیاتی	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۷۸۶	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

تجزیه و تحلیل فرضیه هشتم ـ معکوس: با توجه به جدول ذیل ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۶۱۷- با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین میزان درآمدهای مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه معکوس می‌باشد.

جدول ۱۸. رابطه میزان درآمدهای مالیاتی و میزان مالیات بر ارزش افزوده

		میزان مالیات بر ارزش افزوده	میزان درآمدهای مالیاتی
میزان مالیات بر ارزش افزوده	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۱۷-**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
میزان درآمدهای مالیاتی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۱۷-**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

تجزیه و تحلیل فرضیه نهم: با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۷۱با سطح معناداری ۰/۰۰۹ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر بین میزان تورم موجود در جامعه و قدرت خرید مردم رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم است.

جدول ۱۹. رابطه میزان تورم و قدرت خرید مردم

		میزان تورم	میزان قدرت خرید مردم
میزان تورم	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۷۱**
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۹
قدرت خرید مردم	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۷۱**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۹	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

تجزیه و تحلیل فرضیه دهم: با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۶۲۹ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ محاسبه شده است که بر اساس آزمون انجام شده و سطح معناداری به‌دست آمده که از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که فرض مقابل پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر بین میزان تقاضای جامعه و سطح عمومی قیمت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

جدول ۲۰. رابطه میزان تقاضای جامعه و سطح عمومی قیمت‌ها

		میزان تقاضای جامعه	سطح عمومی قیمت‌ها
میزان تقاضای جامعه	ضریب همبستگی پیرسون	۱	**۰/۶۲۹
	Sig. (2-tailed)		۰/۰۰۰۱
سطح عمومی قیمت‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۶۲۹	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰۱	

**. Correlation is Significant at the 0.01 Level (2-tailed).

مأخذ: نتایج تحقیق.

۹. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

نتایج این تحقیق آشکارا مدل ارائه شده برای رابطه تورم و مالیات بر ارزش افزوده را مورد تأیید قرار می‌دهد. همبستگی قوی میان برخی از شاخص‌های تورم از قبیل کسری بودجه، هزینه تولید محصولات داخلی، تولید ناخالص ملی و میزان درآمدهای مالیاتی مستقیم در مدل تبیینی و تأثیر مستقیم و قابل ملاحظه آنها بر مالیات بر ارزش افزوده، قابل توجه و معنادار می‌باشد که در زیر به شرح آنها می‌پردازیم.

نتایج بررسی حاکی است که بین میزان مالیات بر ارزش افزوده و کسری بودجه دولت به‌شدت رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. به بیان دیگر هرچه میزان مالیات بر ارزش افزوده افزایش پیدا کند، میزان کسری بودجه دولت و در نتیجه تورم کاهش می‌یابد. همچنین، بین افزایش میزان کسری بودجه دولت و میزان مالیات بر ارزش افزوده رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان کسری بودجه دولت، تورم و در نتیجه میزان مالیات بر ارزش افزوده نیز افزایش می‌یابد.

نتایج بیانگر آن است که در پی افزایش میزان هزینه محصولات داخلی یا همان تورم ناشی از فشار تولید شاهد افزایش میزان مالیات بر ارزش افزوده خواهیم بود. همچنین، متقابلاً میان هزینه محصولات داخلی و میزان مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد و شدت و علامت ضریب همبستگی بیانگر آن است که نوع رابطه موجود میان آنها مستقیم می‌باشد. به‌عبارت دیگر افزایش میزان هزینه محصولات داخلی موجب افزایش قیمت می‌گردد. در نتیجه با افزایش قیمت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

محصولات مذکور میزان مالیات بر ارزش افزوده تعلق گرفته به آنها نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچین نشان می‌دهد افزایش میزان مالیات بر ارزش افزوده سبب کاهش میزان تولید ناخالص ملی می‌گردد که در نهایت این امر می‌تواند موجب افزایش میزان تورم موجود در جامعه شود. همینطور بین تولید ناخالص ملی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت همبستگی نیز نشان می‌دهد که نوع رابطه معکوس می‌باشد. به بیان دیگر هرچه میزان تولید ناخالص ملی افزایش یابد میزان مالیات بر ارزش افزوده کاهش پیدا خواهد کرد، زیرا افزایش میزان تولید ناخالص ملی موجب افزایش عرضه نسبت به تقاضای موجود و در نتیجه کاهش فشار تقاضا و در نهایت کاهش میزان تورم ناشی از فشار تقاضا خواهد گردید که این امر به نوبه خود بر میزان مالیات بر ارزش افزوده اثر گذاشته و موجب کاهش آن خواهد گردید.

به همین ترتیب، براساس نتایج بررسی انجام شده بین میزان مالیات بر ارزش افزوده و میزان درآمدهای مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد و شدت و علامت ضریب همبستگی حاکی از این است که نوع رابطه آنها مستقیم می‌باشد. به بیان دیگر با افزایش میزان مالیات بر ارزش افزوده سطح و میزان درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد که این امر به نوبه خود می‌تواند از طریق کاهش کسری بودجه دولت بر روی تورم اثر کاهشی داشته و از میزان تورم موجود در جامعه بکاهد. همچنین، بین میزان درآمدهای مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده رابطه معناداری وجود دارد. شدت و علامت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که نوع رابطه متغیرهای مذکور معکوس می‌باشد. به‌عبارت دیگر با افزایش میزان درآمدهای مالیاتی، میزان مالیات بر ارزش افزوده کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر افزایش میزان در آمدهای مالیاتی موجب افزایش در آمد دولت و کاهش کسری بودجه و در نتیجه کاهش تورم ناشی از آن می‌گردد و در نتیجه کاهش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات مصرفی، میزان مالیات بر ارزش افزوده متعلقه نیز کاهش پیدا خواهد کرد.

با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش از میان ۸ شاخص سازنده تورم، میزان درآمدهای مالیاتی (مالیات مستقیم)، هزینه تولید محصولات داخلی، تولید ناخالص ملی و کسری بودجه دولت آشکارا همبستگی قوی‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها با متغیر مالیات بر ارزش افزوده دارند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد در مرتبه نخست باید به این مسائل توجه نمود.

کسری بودجه دولت از مصادیق بارز تورم ناشی از فشار تقاضا می‌باشد که در اثر کاهش مالیات‌ها و سایر درآمدهای دولت و نیز افزایش مخارج دولت و بخش خصوصی به‌وجود می‌آید. به‌طور کلی کسری بودجه را می‌توان ناشی از ۲ دسته عوامل دانست. نخست، آنهایی که تحت کنترل دولت هستند که می‌توان از آنها به‌عنوان عوامل اداری و مدیریتی نام برد که در این خصوص

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

می‌بایست نسبت به تقویت بخش‌های مذکور اقدام نمود. در این راستا ایجاد مؤسسات علمی و کارآمد برای پیش‌بینی صحیح میزان درآمدها و هزینه‌های دولت، افزایش کارایی مؤسسات و سازمان‌های مسئول برای وصول درآمدهای دولت، تقویت مدیریت در کنترل هزینه‌ها و تمکین مدیران و مسئولان اجرایی در تبعیت از چارچوب بودجه مصوب از جمله عوامل قابل کنترل مؤثر بر بودجه دولت‌ها می‌باشند که توجه به آنها می‌تواند به تدوین صحیح حساب بودجه منجر شود.

دسته دیگر عواملی هستند که خارج از کنترل دولت و تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی در داخل و خارج کشور قرار دارند و نقش مؤثری در عملکرد بودجه دولت دارند که از آن جمله می‌توان به پیدایش رکود در اقتصاد اشاره نمود که از یک طرف درآمد دولت را کاهش داده و از طرف دیگر نقش فعال‌تر دولت در تدوین یک سیاست انبساطی برای تحریک تقاضای مؤثر را می‌طلبد. این امر به‌طور طبیعی باعث فزونی هزینه دولت بر درآمد آن خواهد گردید. تحولات اقتصاد بین‌المللی از جمله تحریم‌ها و ... با تأثیرگذاری بر بخش خارجی اقتصاد نیز می‌تواند حساب بودجه دولت را تحت‌تأثیر قرار دهد. مهم‌تر از این عوامل، اتکای بیش از حد بودجه دولت به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز موجب می‌گردد تا با پیدایش تحولاتی در بازار جهانی نفت یا سیاست‌های بین‌المللی همچون تحریم‌ها، مجموع درآمدهای دولت دستخوش تحول گردد و در پی آن کنترل بودجه از مدیریت دولتمردان خارج شود. بنابراین، باید توجه داشت که حساب بودجه دولت تنها حساب دخل و خرج آن نمی‌باشد، بلکه مهم‌تر از آن تبیین‌کننده سیاست‌های اقتصادی دولت است که در واقع شوک اولیه برای تجهیز منابع اقتصادی را ایجاد می‌نماید. از این‌رو تنظیم صحیح این حساب از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار می‌باشد و لازم است تا تلاش کافی برای از بین بردن تفاوت بین دریافتی‌ها و پرداختی‌ها انجام گیرد تا در نهایت هماهنگی و توازن بر ترکیب بودجه دولت حاکم گردد. هزینه تولید محصولات داخلی از دیگر شاخص‌ها و متغیرهای مهم سازنده تورم می‌باشد که از یک‌سو بر تورم و از سوی دیگر بر مالیات بر ارزش افزوده اثرگذار است. با توجه به اینکه عناصر پایه تشکیل‌دهنده هزینه تولید عبارتند از - زمین، - سرمایه و - کار (نیروی انسانی). بنابراین، به‌منظور کاهش هزینه تولید باید در خصوص موارد مذکور به شرح ذیل اقدام نمود:

زمین: نظر به اینکه زمین و مکان تولید بخش مهمی از هزینه تولید را به خود اختصاص می‌دهد بنابراین نخستین گام در حمایت از تولید میل کردن هزینه زمین به سمت صفر در تولید کالاها و خدمات است؛ مانند آنچه در مسکن مهر اتفاق افتاد و زمین‌های دولتی با اجاره ارزان‌قیمت به تولید مسکن برای مصرف‌کنندگان تخصیص یافت. در این شرایط اگر فردی که زمین را برای تولید مسکن در اختیار گرفته است بر روی زمین فعالیت تولیدی انجام ندهد قرارداد اجاره زمین به راحتی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

باطل می‌شود و یا دیگر تمدید نمی‌شود و زمین به‌صورت اجاره‌ای در اختیار فرد دیگری قرار می‌گیرد. این مدل می‌تواند در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نیز پیاده‌سازی شود. ایجاد فرصت دسترسی به زمین ارزان برای تولید موجب افزایش شاخص عدالت اقتصادی می‌شود، حتی دولت در واگذاری کارخانجات دولتی می‌تواند کارخانه را بدون انتقال مالکیت زمین و ساختمان‌های مربوطه به تولیدکنندگان غیردولتی واگذار نماید که در این شرایط از یک‌سو هزینه اولیه تولید و از سوی دیگر بستر سوداگری کاهش می‌یابد.

سرمایه: اگر سرمایه تولید توسط مصرف‌کننده نهایی تأمین شود، ارزش افزوده حاصل از سرمایه نصیب مصرف‌کننده می‌شود و در نتیجه کالا با قیمت ارزان‌تر به‌دست مصرف‌کننده می‌رسد و مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش تولیدکنندگان کاهش می‌یابد. در این شرایط واسطه‌ها مالک نبوده و تنها به ایفای نقش مدیریتی می‌پردازند و حق‌العمل معین خود را دریافت می‌کنند مانند آنچه در مسکن مهر اتفاق افتاده است. تولیدکنندگان مسکن در این طرح با سرمایه مصرف‌کنندگان اقدام به احداث مسکن می‌کنند. در این وضع مالک تسهیلات بانکی پرداخت شده مصرف‌کننده است که در فرایند تولید صرف سرمایه‌گذاری می‌شود. فرصت دسترسی به تسهیلات و ارزش افزوده سرمایه در فرایند تولید به عموم مصرف‌کنندگان باعث می‌شود تا رشد اقتصادی ناشی از تولید به عدالت نزدیک‌تر شود. این موضوع علاوه بر مسکن مهر در سایر بخش‌های تولید کالا و محصولات کشاورزی نیز قابل پیاده‌سازی است که نیازمند تدوین مدل‌های اجرایی مربوطه و استفاده از نهادهای خدمت‌رسانی کارآمد است.

کار (نیروی انسانی): راه‌حل کاهش هزینه کار در فرایند تولید، استفاده از فناوری و افزایش بهره‌وری است. البته استفاده از فناوری در مقیاس‌های بزرگتر دارای صرفه اقتصادی بیشتری است و یکی از حوزه‌هایی که پرداخت یارانه دولتی در آن هزینه محسوب نشده و در واقع نوعی سرمایه‌گذاری است، موضوع پیشرفت فناوری است که البته سیاستگذاری صحیح در این حوزه و انتخاب صحیح و اولویت‌گذاری مناسب در انتخاب فناوری از اهمیت راهبردی برخوردار است تا منابع سرمایه‌گذاری شده هدر نرود.

در حوزه نیروی انسانی نیز اصلاح قانون کار برای تولید ضروری است، به‌عنوان مثال کارفرمایان می‌بایست اجازه داشته باشند سالانه حداقل ۵ درصد از نیروی کارشان را بدون پاسخگویی به هیچ مرجعی تعدیل نمایند. ایجاد این اختیار موجب می‌شود تا با برخی افراد معدود مسئله‌دار که در محیط‌های کارگری همواره کم‌کاری را القاء می‌کنند به‌راحتی برخورد شود و انگیزه کارفرمایان برای استخدام نیروهای جدید و کارآمدتر بیشتر شود. همچنین، برخورداری از اختیار کاهش دستمزدها در صورت زیانده بودن تولید و یا عدم کارایی و بهره‌وری لازم نیروها نیز ضروری می‌باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

راه‌های دیگر کاهش هزینه تولید در کشور عبارتند از عدم اخذ مالیات و بیمه مضاعف از تولیدکنندگان و شفاف‌سازی فرایندهای مربوطه، تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی بر اساس نرخ‌های مصوب بانک مرکزی و نظارت بانک مرکزی بر هزینه تأمین مالی در بخش‌های مختلف، کاهش هزینه حق انشعابات آب و برق و گاز برای تولیدکنندگان، بازنگری در شیوه اخذ حق انشعابات آب و برق و گاز با رویکرد کاهش هزینه ثابت احداث بنگاه مانند دریافت هزینه با وقفه ۱ تا ۲ ساله، استقرار نظام دستمزد مبتنی بر بهره‌وری در بنگاه‌ها، کاهش تعرفه مواد اولیه و واسطه‌ای غیر قابل جایگزین مورد نیاز تولید داخلی، حمایت دولت از فعالیت‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌های تولیدی در زمینه ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تمام شده، اختصاص بخشی از منابع طرح ساماندهی یارانه‌ها برای حمایت از بنگاه‌های فعال (دارای برنامه) در زمینه کاهش هزینه‌های شناسایی و مستندسازی و معرفی بهترین تجارب کاهش هزینه‌های تولید با بهره‌گیری از تجارب تمام شده (براساس بند قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و بند آیین‌نامه اجرایی)، شناسایی و مستندسازی و معرفی بهترین تجارب کاهش هزینه‌های تولید با بهره‌گیری از تجارب سایر کشورهای مشابه و موفق توسط دستگاه‌های ذیربط و مسئول، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل از طریق بهینه‌سازی ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل و ایجاد فضای رقابتی در آن و ... .

از دیگر متغیرهای مهم، تولید ناخالص ملی می‌باشد که با توجه به نقش کلیدی آن در تورم و اثرات آن بر مالیات بر ارزش افزوده می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گیرد. به‌منظور افزایش میزان تولید ناخالص ملی یا همان عرضه و کاهش تورم ناشی از فشار تقاضا در کشور باید نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نمود:

– حمایت دولت از صنایع داخلی،– جذب و تأمین سرمایه لازم برای صنایع داخلی، – استفاده از تکنولوژی مدرن، – بهبود و توسعه سیستم حمل‌ونقل منظم، – ایجاد زیربناهای لازم در بخش‌های صنعت و کشاورزی، –بازاریابی تولیدات و محصولات صنعتی و زراعتی در داخل و خارج کشور، – افزایش کیفیت تولیدات داخلی و صادرات آنها، – بالابردن سطح آموزش (تعلیم‌وتربیت) نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت و کشاورزی، – حمایت مردم از تولیدات داخلی، – حذف بوروکراسی زائد و فساد اداری فراروی سرمایه‌گذاری و تولید کشور، – هدایت صحیح و برنامه‌ریزی شده درآمدهای ارزی نفت به سوی فعالیت‌های مولد اقتصادی و تخصیص بهینه این درآمدها، – بهبود فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در کشور، – اجرای دقیق و کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، – هدایت و تخصیص منابع بانکی جهت تأمین نقدینگی لازم برای فعالیت‌های مولد اقتصادی، – ارزش نهادن به‌تلاش و کار مولد و فرهنگ‌سازی در این خصوص، – اصلاح مدیریت کلان اقتصادی و تجاری در کشور، – گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای و حضور فعال در بازارهای جهانی با هدف توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری، – حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش فنی روز با هدف ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری، – توسعه بسترهای تحقق اقتصاد دانایی‌محور، –مدیریت کلان در ایجاد زنجیره ارتباطی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ ملی جهت نظام‌مند و هدفمند نمودن تولیدات بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط، – کاهش ریسک فعالیت‌های مولد اقتصادی و افزایش ضریب ریسک فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی، – شناسایی گلوگاه‌های سوداگری در اقتصاد ایران و برنامه‌ریزی مدبرانه برای حذف و خشکاندن آنها، – جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاهای خارجی و اتخاذ تدابیر و سیاست‌های صحیح فراروی واردات، – کاهش بی‌ثباتی و تغییرات مکرر قوانین و مقررات فراروی تولید و کار، – شناسایی، مقابله و ریشه‌کنی مفاسد اقتصادی و رانت‌های مختلف، – مبارزه جدی با قاچاق کالا، – تجمیع، تسهیل و کاهش عوارض دریافتی از بنگاه‌های تولیدی کشور، – تسریع در فرایند ترخیص کالا و مواد اولیه از گمرک، – توسعه فضای رقابتی، کاهش انحصارات و حذف رانت، – تحریک تقاضای داخلی به‌منظور استفاده بیشتر از ظرفیت‌های بیکار بنگاه‌های تولیدی، – تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی بر اساس نرخ‌های مصوب بانک مرکزی و نظارت بانک مرکزی بر هزینه تأمین مالی در شقوق مختلف، – ساماندهی خدمات بانکی و ایجاد رابطه منطقی بین نرخ سود وام بانکی و عرضه و تقاضای پول، – اولویت دادن به بنگاه‌های دارای بازدهی بالا در پرداخت تسهیلات بانکی، – کاهش هزینه حق انشعابات آب، برق و گاز برای تولیدکنندگان و بازنگری در شیوه اخذ حق انشعابات مذکور با رویکرد کاهش هزینه ثابت احداث بنگاه (مانند دریافت هزینه با وقفه یک تا ۲ ساله)، – استقرار نظام دستمزد مبتنی بر بهره‌وری در بنگاه‌های تولیدی، – کاهش تعرفه گمرکی مواد اولیه و واسطه‌ای غیر قابل جایگزین مورد نیاز تولید داخلی، –اولویت دادن در پرداخت تسهیلات اعتباری برای خرید فناوری‌های نوین، – عارضه‌یابی فرایند تولید در بنگاه‌های تولیدی کشور، –حمایت دولت از فعالیت‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌ها در زمینه ارتقای بهره‌وری و کاهش قیمت تمام‌شده، – استفاده از روش شایسته‌سالاری در به‌کارگیری کارکنان، – اختصاص بخشی از منابع طرح ساماندهی یارانه برای حمایت از بنگاه‌های فعال دارای برنامه، – نوسازی مدیریت بنگاه‌ها، – تدوین نقشه راه توزیع مکانی مراکز تولید، حمل‌ونقل و انبارداری (طراحی سیستم یکپارچه لجستیک در کشور)، – به‌کارگیری راه‌های کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و صنعتی، – اجرای برنامه‌های بهبود بهره‌وری در واحدهای تولیدی مانند اعطای نشان به واحدهای تولیدی، ارتقای سطح آموزش‌های حرفه‌ای، کاهش ضایعات و بهبود کیفیت، راه‌اندازی کلینیک‌های بهره‌وری، نوسازی تکنولوژیکی ماشین‌آلات و ... ، – شناسایی و اجرایی کردن راه‌های کاهش هزینه‌های اجاره واحدهای تولیدی و ... .

در نهایت متغیر میزان درآمدهای مالیاتی (مالیات مستقیم) یکی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های سازنده تورم است که همبستگی قوی با مالیات بر ارزش افزوده دارد. با توجه به اینکه افزایش میزان درآمدهای مالیاتی (مالیات مستقیم) موجب افزایش درآمد و عایدات دولت و در نتیجه کاهش کسری بودجه و نیز تورم ناشی از آن می‌گردد که به نوبه خود می‌تواند بر روی مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار باشد، پیشنهاد می‌گردد:

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

وزارت امور اقتصادی و دارایی ضمن شناسایی منابع مالیاتی، تعیین میزان بهینه مالیات قابل پرداخت و مباحثی مانند میزان مشمولیت یا اصابت مالیاتی، تمکین مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی، بخش مهمی از کارایی نظام مالیاتی کشور را در پدید آوردن زمینه‌ها و شرایطی جستجو کند که با دقت، سرعت، کمترین میزان هزینه به‌ازای هر واحد مالیات وصول شده و کمترین میزان سوءاستفاده بتوان مالیات تعیین شده را وصول نمود. در این خصوص، محاسبه نسبت هزینه‌های مستقیم وصول درآمد دولت به کل درآمدهای مالیاتی نماگری را به‌دست می‌دهد که هزینه بالای وصول درآمدهای مالیاتی را در اقتصاد ایران به موضوعی مهم برای حداقل ساختن آن بدل می‌سازد.

به‌طور خلاصه می‌بایست هدفگذاری آتی این وزارتخانه برای درآمدهای مالیاتی در درون مجموعه‌ای از کارکردهای قابل شناسایی برای سیاست بودجه‌ای و در حالت کلی‌تر در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی دولت تعیین شود. براین اساس، افزایش درآمد مالیاتی به خودی خود یک هدف تلقی نمی‌شود و نیاز به درآمد اضافی با در نظر گرفتن سقف نرخ رشد متعادل و نرخ انتظاری نسبت سرمایه به تولید در اقتصاد ایران باید تعیین گردد. این نکته به‌ویژه با در نظر گرفتن پیوند ضعیف بین انتظارات موجود از نظام مالیاتی کشور و هدف‌های توسعه‌ای اقتصاد ملی اهمیتی دو چندان می‌یابد.

همچنین، به منظور بهبود و افزایش میزان اخذ درآمدهای مالیاتی لازم است روش‌ها و اقدامات ذیل به‌عمل آید:

– گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، – مبادله کامل اطلاعات و تقویت سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، – تشخیص علی‌الرأس و تقویت اجرای آن، – ایجاد ضمانت اجرایی، – تسریع در وصول مالیات، – شناخت مؤدیان و مستند نمودن میزان درآمد آنها، – کاهش معافیت‌های وسیع و متنوع، –عدم پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی، – آگاهی و به‌روز نمودن اطلاعات مدیران ارشد مالیاتی، –توجه به منابع انسانی کارآمد، – تدوین تشویقات، پاداش‌ها و تنبیهات متناسب با عملکرد مؤدیان، – رعایت اصول تعیین مالیات، – ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه، – تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مؤدیان، –آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و انتشار مقالات مختلف و تبادل اطلاعات، – استقرار نظام تشویق برای پیشگامان نظام جدید، – ساده نمودن روش‌های اخذ مالیات و حذف روش‌های زائد جهت کاهش زمان و هزینه وصول مالیات از مرحله تشخیص، – افزایش توانایی نظام مالیاتی در شناسایی پایه‌های مالیاتی، – کارایی فرایندهای اجرایی و نظارتی مالیاتی: قوانین مالیاتی هرچند کارامد هم باشند در مرحله اجرا و نظارت نیازمند دقت و حساسیت فراوانی هستند تا بتوانند نظام مالیاتی را در دستیابی به اهداف مورد نظر رهنمون سازند. یکی از معضلاتی که سیستم مالیات‌ستانی در ایران با آن روبرو است مسئله ناکارامدی‌هایی است که در این عرصه به چشم می‌خورد. فرایند مالیات‌گیری را می‌توان از لحاظ زمانی به تدوین و تصویب

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

قانون شناسایی مؤدیان، تشخیص مالیات، کنترل و بازبینی تشخیص‌ها، طرح اعتراض به مالیات تشخیصی و در نهایت وصول مالیاتی تجزیه کرد. ضعف سیاست‌های مالیاتی (مدیریت مالیاتی) در هر یک از این مراحل می‌تواند فرایند دستیابی به اهداف قانونگذار را با موانع فراوانی مواجه کند. تحلیل فرایندهای نظام مالیاتی از اظهار تا پرداخت در یک سیستم مالیاتی هنگامی مفید و ممکن است که اطلاعات به‌هنگام باشد و به‌درستی در مجاری صحیح قرار گیرد. یکی از مشکلاتی که به نوعی کارایی نظام مالیاتی را خدشه دار نموده این است که تقریباً اکثر فرایندها در نظام مالیاتی ایران به روش سنتی انجام می‌گیرد. عدم وجود سیستم مکانیزه در فرایند اجرایی نظام مالیاتی کشور منجر به طولانی‌تر شدن فرایند اجرا شده و احتمال خطا را نیز افزایش می‌دهد. از طرف دیگر اعمال سلیقه‌های شخصی و تصمیمات فردی ممیزین مالیاتی و مأموران سازمان مالیاتی در فرایند تشخیص و نحوه وصول درآمدهای مالیاتی به‌گونه‌ای است که فرایند تشخیص مالیاتی را بالا برده است، بنابراین اصلاح فرایندهای تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به‌گونه‌ای که بر اساس یک فرایند سیستماتیک و با اتکا به فناوری‌های سخت‌افزاری و نرم افزاری نوین و به‌صورت حرفه‌ای باشد یک الزام است.

فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی، نبودن نرخ‌های مالیاتی متعدد در بخش‌های مختلف اقتصادی، معافیت‌های وسیع و متنوع، اعمال نظرات شخصی در فرایند وصول مالیات‌ها، عدم تسلط کافی برخی از مأموران مالیاتی به اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوطه، گسترش فساد در برخی از حوزه‌های مالیاتی به‌دلیل ناکافی بودن نظارت‌های فنی بر فرایندهای تشخیص و وصول مالیات از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها و کاستی‌های نظام مالیاتی محسوب می‌شوند که در مجموع موجب گردیده تا نظام مالیاتی در ایران در حوزه‌های نظارت و اجرا از کارایی لازم بهره‌مند نباشد.

منابع

بانک جهانی (۲۰۰۰)، "شاخص توسعه جهانی".

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *ترازنامه بانک مرکزی*، سال‌های مختلف.

طبیبیان، محمد و داود سوری (۱۳۶۳)، "ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران، اثر نرخ ارز و متغیرهای پایه‌ای اقتصاد بر نرخ تورم"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۱، زمستان.

فرزین‌وش، اسداله، اصغرپور، حسین و محمود محمودزاده (۱۳۸۲)،"بررسی اثر تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۳.

قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۱)، *اقتصاد رشد و توسعه*، چاپ اول و دوم، تهران: نشرنی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08]